پای درس علی(ع)

عوامل استواری دین و دنیا

امـام علی(ع) خطاب به جابر ابن عبدالله انصاری: «ای جابر! استواری دین و دنیا به چهار چیز است: ۱- عالمی که به علم خود عمل کند ۲- و جاهلی که از آموختن سـر باز نزند ۳- و بخشنده‌ای که در بخشش، بخل نورزد ۴- و فقیری که آخرت خود را در دنیا نفروشد.»

نهج‌البلاغه-حکمت۳۷۲

برای دانشمند شهید، فریدون عباسی

پله‌پله تا روشنایی حضور

امروز بعد از مدت‌ها دوری، به خانه بازگشتم.
خانه زیبایم،
مایه امنیت و آرامشم
و از همه مهم‌تر؛
محل انس و قرارم
بیست سال زندگی در یک خانه کم نیست؟!
اُنس داری با جزءجزء آن خانه
از در و دیوارش گرفته
تا اتاقت
وسایلت
کتابخانه‌ات
هدایایت
یادگاری‌هایت
هنرنمایی‌هایت
جانماز همیشه پهن کنج اتاقت
قاب‌ها و قشنگی‌جات با ذوق و عشق و حوصله انتخاب شده بر روی دیوارهایت.
همه و همه...
و از همه اینها مهم‌تر؛
خاطراتی که سالیان سال با عزیزترین‌هایت در آن ساختی.
و من امروز؛
خانه امیدم را؛
خالی و خراب دیدم...
اما عشق به خانه پدری؛ خراب و آباد نمی‌شناسد.
با قدرت و علاقه تمام، از پله‌ها بالا رفتم
یک به یک، خانه همسایه‌ها را سر زدم
چه آنها که درهاشان به رویم باز بود و چه آنها که از پشت درهای بسته، صدایشان زدم و احوالشان را پرسیدم.
هیچ خبری از همسایه‌های مهربانمان،
که همیشه به دنبال نگاهی بودند برای سلام و گرم گفت‌وگو شدن نبود،
هیچکس این‌بار نه جواب سلامم را داد و نه جواب دلنگرانی‌هایم برایشان را...
بالاتر رفتم
چه ناباورانه؟!
خانه‌ای که همیشه پُر از رنگ و بوی زندگی داشت
و در بین خانه‌های دیگر معروف بود به تعداد زیاد بچه‌هایش و سروصدای بازی‌های آنان در وسط حیاط...
و دورهمی‌های عصرگاهی خانم‌های همسایه در کنار فرزندانشان...
جلسات پُررونق قرآنی‌اش...
و روضه‌های باصفای ایام محرمش...
دیگر از هیچکدام از آنها خبری نیست!
و هرآنچه هست آوار است و سکوت...
و صدای کبوتران و گنجشک‌هایی که به خانه‌های جدیدشان، در میان خانه‌های ویران ما نقل مکان کرده بودند.
بالاتر رفتم؛
تا شاید گم شده‌ام را، در خانه پدری‌ام پیدا کنم.
به خانه‌مان رسیدم، زنگ زدم
نه زنگی خورد و نه کسی در را باز کرد
و نه هیچ آغوش گرمی که مثل همیشه به استقبال من بیاید...
ناامید نمی‌شوم
باز هم بالاتر می‌روم؛
به امید یک نفر،
به امید اوست که هنوز نفسی برای رفتن دارم
و به یاد سختی‌هایی که او در مسیر زندگی و اهدافش کشیده است نفس‌نفس‌زنان
با یقین بالا می‌روم
و می‌دانم هیچکس هم که نباشد،
او هست،
او منتظر است و مثل همیشه با محبت و گرمی پاسخگوی سلام‌هایم.
چراکه او دیگر اسیر این خاک نیست که خرابی خانه‌اش، او را دور و محصور از ما کند.
او نزدیک‌تر و مشتاق‌تر و
دلسوزتر از همیشه برای ماست...
او دیگر شهید است؛
پس می‌بیند، می‌شنود، دعا می‌کند و حاضرتر از همیشه گره‌ها باز می‌کند
و همانند وجود پُربرکتش در این دنیا،
آن دنیا هم کارها کند برای ما...
حالا رسیدم به بالای بالا
به او...
جایی که دیگر سقفی نیسـت و هرآنچه هست آسمان و آبی آسمانی‌اش به چشم می‌آید.
آرام گرفتم...
جواب همه سلام‌های نشنیده را از او شنیدم.
رفتم و در خانه‌ای که دیگر مثل سابق نبود، مهمانش شدم
دیگر خبری از دنیا و زرق‌وبرق و تعلقات آن نبود.
دنیا برای او خیلی کم بود.
حیف بود تا در این قفس و تنگنا بماند.
او باید زودتر از اینها می‌رفت.
اما گویا خداوند مهلتش داد و خواست او بماند تا کارهایش را به انجام و ما را به این نقطه از اقتدار برساند...
همسرش می‌گفت:
بعد از ترور اول، همیشه با حسرت تکرار می‌کرد، من الویتِ اول برای شهادت نبودم وگرنه همان موقع شهید می‌شدم.
اما این‌بار دانشمند شهید ما،
فریدون عباسی
با عمری مجاهدت خالصانه و درست زیستن...
بار دیگر توانست در الویت شهادت قرار گیرد.
از همسر شهید خواستم هدیه‌ای از خصوصیات ایشان به من بدهید تا الگوی مسیر زندگی‌ام باشد،
گفت: با اخلاص بود.
بسیار اهل علم و بخشش آن به دیگران بود.
و بسیار بسیار اهل کار و خدمت بود.
و این جمله آخرش آتشی بر جانم زد،
هنگامی که گفت: من خواب بودم و غافل،
اما دلم می‌خواهد بدانم،
او در لحظه شهادت
در حال کار بود؟ یا نماز؟
آری او؛
نماز صبح را می‌خواند
مشغول کار می‌شود
و دقایقی بعد...
به شهادت می‌رسد.
و من گرفتم هدیه‌ام را از شهید؛
عمل به واجبات
و خدمت به دین و وطن
توصیه شهید عزیز فریدون عباسی برای ماست.
شهید ما و افتخار ما؛
راهت با قدرت‌تر و مصمم‌تر از گذشته ادامه خواهد یافت.
الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ‌اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَاللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ
آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جان‌هایشـان در راه خدا به جهاد برخاستند، منزلت‌شان در پیشگاه خدا بزرگ‌تر و برتر است، و فقط اینانند پیروزمندان.

سیده زهرا صدر

گزارش خبری تحلیلی کیهان

ایران در جنگ پیروز شد مذاکره، نسخه نجات دشمن است

سرویس سیاسی-

۱۲ روز جنگ تمام‌عیار میان ایران و محور شـرارت آمریکا-اسـرائیل، نه‌تنها پروژه شکست‌خورده‌ای برای دشمن بود، بلکه به صحنه‌ای بی‌سابقه از نمایش اقتدار ایران در میدان نظامی، وحدت ملی و فروپاشی محاسبات غرب تبدیل شد. رژیمی که با خیال خام انهدام توانمندی‌های هسته‌ای، نظامی و اجتماعی ایران وارد میدان شد، با پیکر نیمه‌جان به پشت میز مذاکره پناه برد. اما آیا تکرار تجربه خسارت‌بار برجام، این‌بار هم ممکن است.

دوازده روز جنگی که با هم‌دستی رژیم صهیونیستی و دولت جنایتکار آمریکا علیه جمهوری اسـلامی ایران به راه افتاد، صرفاً یک ماجراجویی نظامی نبود. این جنگ، فصل تازه‌ای از خصومت تاریخی قدرت‌های سـلطه‌گر علیه ملتی بود که چهار دهه است سـد راه هژمونی غرب در منطقه شده است. این جنگ، در واقع، تلاشی مذبوحانه برای فروپاشی اراده ایران بود؛ اما آنچه رقم خورد، ورق خوردن یک بازی بزرگ به نفع ایران و فروپاشـی محاسبات دشمن بود.

آنچه آمریکا و اسـرائیل طراحی کرده بودند، قرار بود ظرف چند روز، هم صنعت هسته‌ای کشور را نابود کند، هم توان دفاعی ایران را زمین‌گیر سـازد و هم از دل اختلافات داخلی، جبهه‌ای خائنانه را در داخل کشـور ایجاد کند. اما آنچه در میدان جنگ رخ داد، چیزی جز شکست کامل این پروژه و اتحاد ملی بی‌سابقه در ایران نبود.

نبرد ۱۲ روزه اخیر، بیش از آنکه یک درگیری نظامی باشد، یک آزمون تمام‌عیار برای سـنجش اراده، انسـجام و توانمندی جمهوری اسـلامی ایران بـود؛ آزمونی کـه در آن، فرزندان این سـرزمین در نیروهای مسلح، اعم از سپاه، ارتش و سایر نهادهای دفاعی، با شـجاعت و هوشمندی، نشان دادند که دشمن در سه عرصه راهبردی ـ نابودسـازی صنعت هسـته‌ای، ضربه به توان نظامی کشور و ایجاد گسست میان ملت و نظام ـ شکست مطلق خورده است.

نخست، در حوزه صنعت بومی هسـته‌ای، دشمن با صرف میلیاردها دلار هزینه اطلاعاتی، لجستیکی و نظامی، خیال خام انهدام زیرسـاخت‌های هسته‌ای کشـور را در سر می‌پروراند؛ اماً نه‌تنها نتوانست این توانمندی را نابود کند، بلکه با پاسخ هوشمندانه ایران و قطع همکاری با آژانس، عملاً با شـرایطی روبه‌رو شد که کوچک‌ترین اطلاعی از وضعیت جدید فعالیت‌های هسته‌ای کشور ندارد. در واقع، دشـمن هر آنچه را در سـال‌ها مذاکره و بازرسی به‌دست آورده بود، در یک لحظه از دست داد و اکنون در تاریکی مطلق استراتژیک فرو رفته است.

دوم، در بعـد نظامـی، دشـمن تصور می‌کرد کـه با یک عملیات برق‌آسـا، توان پاسـخ‌دهی ایران را از بیـن می‌برد؛ اما ضربات موشـکی بی‌سابقه، انهدام تأسیسات حساس اسرائیلی، و فروپاشی سامانه‌های پدافندی تل‌آویو و حیفا، نشان داد که ایران نه تنها آماده جنگ اسـت، بلکه در پاسخ دادن، دست بالا را دارد. این چیزی نبود که در محاسـبات جنایتکارانی مانند نتانیاهو و ترامپ دیده شـده باشـد. آن‌ها روی «واکنش ضعیف» و «ترس از درگیری» حسـاب کرده بودند، اما با «پاسخ قاطع» و «افزایش سطح درگیری» مواجه شدند.

سوم، و شاید مهم‌تر از همه، شکست دشمن در پروژه قدیمی خود یعنی ایجاد اختلاف میـان ملت و نظام بود. حملات کور و ناجوانمردانه به زیرساخت‌های غیرنظامی، موجب اتحاد کم‌نظیر مردم با نظام شد. حتی آن دسته از مردم که شاید نگاه انتقادی به دولت یا نظام داشتند، با مشاهده دشمنی عریان آمریکا و اسرائیل، به صفوف مدافعان وطن پیوستند. این همان چیزی بود که حتی رسانه‌های صهیونیستی نیز از آن با تعبیر «اتحاد غیرقابل‌پیش‌بینی ایرانیان» یاد کردند.

اکنون، دشمنی که قمار سنگین نتانیاهو و ترامپ را باخت، به تنها ابزار باقی‌مانده‌اش پناه برده است: مذاکره. همان ابزار کهنه و فرسـوده‌ای که در دوره‌ای توانسـت بخشی از قدرت ایران را با وعده‌های توخالی خنثی کند، بار دیگر از خاک بیرون کشـیده شـده اسـت. آن‌ها اکنون می‌خواهند با ژست صلح‌طلبی و زبان دیپلماتیک، خود را از زیر بار سنگین قدرت و تهدید ایران نجات دهند. اما واقعیت این اسـت که مذاکره‌ای که پس از شکسـت نظامی مطرح شود، در حقیقت ادامه جنگ است با ابزاری دیگر.

دشـمن می‌خواهد دسـت ایران را از ابزارهای اقتدار خالی کند، آن‌هم در شـرایطی که ملت ایران تـازه قدرت واقعی خود را به نمایش گذاشـته اسـت. تلاش برای کشاندن کشور به میز مذاکره، در چنین شرایطی، نه راه‌حل، که تله‌ای برای خنثی‌سازی دستاوردهای این پیروزی بزرگ است. آن‌ها می‌دانند که در میدان نظامی شکسـت خورده‌اند، حالا می‌خواهند در میدان سیاست، جبران مافات کنند.

هاآرتص: اشتباه استراتژیک اسرائیل اتحاد ایرانیان را تقویت کرد

حتی رسانه‌های دشمن هم نتوانستند شکست را انکار کنند. روزنامه اسـرائیلی «هاآرتص» در گزارشـی تأکید کرد: «اسرائیل قدرت خود را نشـان داد، اما از نظر اسـتراتژیک، جنگ با ایران یک اشتباه بود.»

این رسـانه بـا اذعان به بن‌بسـت فکری صهیونیسـت‌ها نوشت «اسـرائیل در رؤیای تغییر رژیم در ایران بود، اما بمباران ملت ایـران، حس ملی‌گرایـی آنان را تقویت کـرد. حالا حتی منتقدان حکومت هم در شـبکه‌های اجتماعی می‌نویسند که ما با هر متجاوزی برای کشـورمان خواهیم جنگید. جنگ، ایران را متحد کرد.»

این اعترافات، سندی بر آن است که پروژه «جنگ برای ایجاد گسست داخلی» نه تنها شکست خورد، بلکه نتیجه‌ای معکوس و برای دشمن، فاجعه‌بار به‌بار آورد.

مرشایمر: ایران پیروز میدان، اسرائیل متوقف‌شده در پناه آتش‌بس

پروفسور جان مرشایمر، نظریه‌پرداز برجسته آمریکایی نیز از جمله تحلیلگرانی بود که به صراحت اعلام کرد این جنگ نشانگر پایان افسانه شکست‌ناپذیری اسرائیل بود. او گفت: این اسرائیل بود که از آمریکا خواست آتش‌بس برقرار شود، نه اینکه ترامپ اسرائیل را مجبور به توقف جنگ کرده باشد.

مرشـایمر با اشـاره به حجم ضربات موشـکی ایران افزود: موشک‌های بالستیک ایران، تأسیسات نظامی اسرائیل را یکی پس از دیگری هدف قرار دادند. ذخایر پدافندی اسـرائیل ته کشید و دولت تل‌آویو با یک بحران دفاعی تمام‌عیار مواجه شد.»

او همچنین تصریح کرد که اهداف اسـرائیل ـ یعنی نابودی برنامه هسـته‌ای ایران و ایجاد هرج‌ومرج داخلی ـ نه تنها محقق نشد، بلکه با شکست کامل مواجه گشت و حتی امکان تحقق آن در آینده نیز کاهش یافت.

نفیو: حمله نظامی، راه‌حل نیست

ریچارد نفیو، طراح تحریم‌های آمریکا علیه ایران نیز از دیگر شـخصیت‌هایی است که به ناکارآمدی راهبرد نظامی علیه ایران اذعان کرد. نفیو در یادداشـت خود در فـارن افرز اجمالا عنوان می‌کند «تاکتیک ابهام هسته‌ای ایران تهدیدآمیزترین سناریو برای اسرائیل و آمریکا است.»

او پیش‌تر نیز تأکید کرده بود که اقدام نظامی علیه ایران نه تنها نمی‌تواند منجر به نابودی برنامه هسـته‌ای ایران شود، بلکه ممکن اسـت موجب تسـریع روند حرکت ایران به سمت سلاح هسته‌ای خواهد شد.

بازگشت به میز مذاکره؟ یا فرار از شکست؟

اکنون که صدای انفجارهای ایران در تل‌آویو و حیفا خاموش شـده، صدای زمزمه‌های مذاکره در پایتخت‌های غربی بلندتر از همیشه به گوش می‌رسد. دشمنی که در میدان شکست خورد، اکنون با چهره‌ای بزک‌شده و با واژه‌هایی همچون «تنش‌زدایی» و «مذاکره برای صلح» در تلاش است تا از طوفان اقتدار ایران جان سالم به در ببرد.

این ترفند نخنما، تکرار نسـخه‌ای است که پیش‌تر در برجام تجربه شد. آنجا نیز دشمن با لبخند وارد میدان شد و با «تعهدات کاغـذی» ابزارهای قدرت ایـران را از کار انداخـت. این بار نیز مذاکرات پس از شکسـت، تلاشی اسـت برای نجات دشمن، نه حل مسئله.

نقش آژانس؛ بازوی اطلاعاتی دشمن یا نهاد فنی بی‌طرف؟

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در طول سالیان گذشته، بارها و بارها نقش پوششی برای سرویس‌های جاسوسی غربی و عبری ایفا کرده است. حملات هوائی اخیر به تأسیسات هسته‌ای ایران نیز، بی‌ارتبـاط با اطلاعات لو رفته از طریق این آژانس نبود. در حالی که اسـرائیل که نه عضو NPT است و نه تحت هیچ بازرسی‌ای قرار دارد، آزادانه زرادخانه اتمی‌اش را توسعه می‌دهد و عجیب‌تر اینکه از سوی مدیرکل دست نشـانده آژانس رافائل گروسی در برابر ایران که عضو معاهده است زیر ذره‌بین بازرسی‌های یک‌طرفه قرار دارد حمایت می‌شـود. این تناقض آشکار، خود گویای نقش منحرف‌کننده آژانس است.

سیاست ابهام هسته‌ای؛ کابوس مشترک واشنگتن و تل‌آویو

در شـرایط کنونی، مهم‌ترین کابوس محور شـرارت آمریکا و رژیم کودک‌کش اسـرائیل، ترس عمیق آنان از بازسازی توان هسته‌ای ایران در چارچوب یک سیاست سکوت آگاهانه، موسوم به ابهام هسته‌ای است.

دشـمن خوب می‌داند که ایران امروز، ایرانِ پیش از جنگ نیست. ملتی که از دل آتش و ویرانی، با اتکاء به توان بومی و اراده ملی، دوباره برخاسته است، دیگر زیر بار قیمومیت آژانسی نخواهد رفت که عملکرد آن، به جای آنکه فنی و تخصصی باشد، به وضوح امنیتی، سیاسی و جاسوسی است. سیاست ابهام هسته‌ای، نه تنها حق طبیعیِ جمهوری اسـلامی در چارچوب رفتار متقابل است، بلکه دقیقاً برگرفته از همان الگویی است که رژیم جعلی اسرائیل در طول هفت دهه گذشـته، به‌عنوان یک اسـتراتژی دائمی در دستور کار خود قرار داده است.

جای تأسـف نیسـت، جای تأمل و خروش است که رژیم صهیونیسـتی با در اختیار داشتن صدها کلاهک اتمی و یکی از بزرگ‌ترین زرادخانه‌های هسته‌ای جهان، نه تنها مورد بازخواست هیچ نهاد بین‌المللی قرار نگرفته، بلکه مدیرکل دست‌نشانده آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، عملاً در قامت سـخنگوی غیررسـمی تل‌آویو، از این رژیم قانون‌گریز که حتی عضو NPT هم نیست، به صراحت حمایت می‌کند.

در کدام منطق حقوقی و در کجای قواعد بین‌المللی می‌توان توجیه کـرد که ایرانِ متعهـد به NPT، سـال‌ها زیر ذره‌بین شـدیدترین و بی‌سابقه‌ترین بازرسـی‌های آژانس قرار گیرد، اما اسرائیلِ جنایتکار، آزادانه برنامه اتمی نظامی خود را توسعه دهد و حتیِ یک‌بار هم مورد بازخواست یا هشدار رسمی قرار نگیرد؟!

این دوگانگی رسـوا، ماهیت واقعی آژانـس را به‌عنوان یک بازوی اطلاعاتی سرویس‌های جاسوسی غربی-عبری آشکار کرده اسـت. از این‌رو، اتخاذ سیاست ابهام، نه تنها واکنشی مشروع به خیانت‌های آژانس اسـت، بلکه اقدامی پیش‌دستانه برای دفاع از منافع ملی و حفظ ابزارهای قدرت ایران در برابر دشمنی است که دیگر حتی نقاب دیپلماسی هم بر چهره ندارد.

در چنین شرایطی، دیگر همکاری با آژانسی که در جنایات جنگی اخیر نقـش غیرقابل انکاری داشـته، هیچ موضوعیت و مشـروعیتی ندارد. وقت آن اسـت که ایران نیز با همان زبان و منطق قدرت، بازی را بازتعریف کند؛ همان‌طور که دشمن به‌دروغ و با فریب، سـال‌ها از «ابهام» بهره برد، اکنون نوبت ماست که از ابهام مشروعِ بازدارنده به‌عنوان یک راهبرد ملی در برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای بهره ببریم.

مجلس، سد راه شود

در همین راسـتا، قانون مجلس شـورای اسلامی مبنی بر «منع همـکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» نه یک گزینه، بلکه یک تکلیف قانونی و ملی اسـت. این مصوبه که به تصویب نمایندگان ملت و تأیید شورای نگهبان رسیده، باید مبنای عملکرد همه نهادهای مسئول قرار گیرد. اما متأسفانه از برخی مسئولان، زمزمه‌هایی شـنیده می‌شود که از «ترمش» در اجرای این قانون حکایت دارد.

همان‌طور که مجلس نیز اعلام کرده، برای آینده برنامه‌ریزی شـده که هرگونه همکاری با آژانس به‌طور جدی محدود شود و تنها در چارچوب این قانون انجام پذیرد.

پـس از حوادث اخیر، سیاسـت ابهام هسـته‌ای، به‌عنوان راهبردی هوشـمندانه در دستور کار قرار گرفته است. این همان راهی است که رژیم صهیونیستی در طول حیات ننگین خود در پیش گرفته و با در پیش گرفتـن آن، از نظارت‌های بین‌المللی فرار کرده است.

اکنون ایران نیز باید در برابر سیاست دوگانه آژانس، سیاست خود را بازتعریف کند. سـؤال اینجاست: با چه کسی، و بر سر چه چیز باید مذاکره کرد؟

مذاکره برای نجات دشمن، یا تکرار یک خسارت محض؟

آنچه امروز تحت عنوان «بازگشت به مذاکره» مطرح می‌شود، در واقع تلاشی است برای اجرای نسخه نجات دشمن. نسخه‌ای که چه به صورت آگاهانه و چه بیشتر از روی ساده اندیشی، اگر اجرا شود، می‌تواند همچون تجربه تلخ برجام، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به قدرت ملی کشور وارد سازد. دشمن شکست‌خورده، تنها یک راه برای بقا را برای خود دیده و صراحتا در نوشته‌های خود به آن اذعان دارد: خلع سـلاح ایران در میدان دیپلماسی. این واقعیتی است که افرادی همچون نفیو بارها در ماه‌های آغازین دولت ترامپ آن را تکرار کرده بودند.

پیروزی در میدان، هوشیاری در سیاست

امروز ایران در جنگ پیروز شد؛ هم در میدان نظامی، هم در جبهه افکار عمومی. اما این پیروزی، نیازمند تثبیت و تحکیم است. دشمن در تلاش است آنچه را در میدان از دست داده، در مذاکرات باز پس گیرد. وظیفه نخبگان، مسئولان، و آحاد ملت آن است که اجازه ندهند پروژه «نجات دشمن » عملی شود.

ایران باید از جایگاه قدرت، منافع و دارایی‌های استراتژیک و راهبردی کشـور را حفظ کند و اجازه ندهد مذاکره، به نقشه دوم دشمن بدل شود.

دشمن حالا مذاکره را نه از موضع قدرت، بلکه از سر استیصال می‌خواهـد؛ چرا که ایرانِ امروز، ایرانی اسـت که در برابر حمله ائتلاف عبری-غربی ایستاد، پاسخ داد و هزینه تحمیل کرد. اکنون اگر ساده اندیشی و خوش‌بینی در میان برخی مسئولان دست بالا پیدا کند، پروژه‌ای که با موشـک متوقف شد، با قلم ممکن است دوباره به حرکت درآید.

بنابراین، هوشیاری امروز از هر زمان دیگری حیاتی‌تر است. همان‌طور که در میدان جنگ، جبهه مقاومت پیروز شـد، اکنون نیز در میدان سیاست، باید با همان قاطعیت و صراحت عمل کرد. باید دانست که هرگونه نرمش پس از پیروزی، خود یک شکست و زمینه‌ای برای گستاخی بعدی دشمن است.

مذاکره، اگر قرار اسـت موضوعیت داشـته باشد، باید نه در امتداد خواسـته دشـمن، بلکه بر مبنای اقتدار ایران و در چارچوب منافع ملی باشد؛ و تا زمانی که آژانس دست‌نشانده، آمریکا عهدشکن، و رژیم صهیونیستی گستاخ و متجاوز است، هرگونه گفت‌وگویی، جز تکرار تجربه خسـارت‌بار گذشـته نخواهد بود.

پیروزی ملت ایران باید به سـکوی جهش تبدیل شـود، نه دروازه‌ای برای نفوذ مجدد دشمن. زمان تثبیت پیروزی فرا رسیده است، نه وقت بازی با نسخه‌های سوخته‌ای چون مذاکره.

راهپیمایی حمایت از رهبر انقلاب در کشمیر هند

صبح جمعه هزاران نفر در سوناواری، منطقه باندیپورا کشمیر در حمایت از ایران اسلامی و رهبر انقلاب اسلامی راهپیمایی کردند.

اعضای شهید به بیماران نیازمند اهدا شد

شهادت افسر پلیس راه رشت در حمله سارق با خودروی سرقتی

سرگرد توحید مهرپور دارستانی، جانشین پلیس راه رشـت- لاهیجان، پس از چندروز کما به دلیل شدت جراحات وارده به مقام والای شهادت نائل آمد.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، روز جمعه، خبری منتشر شد مبنی بر شهادت دلخراش سرگرد توحید مهرپور دارستانی، جانشـین پلیس راه رشت- لاهیجان، که پس از چندروز کما به دلیل شدت جراحات وارده به مقام والای شهادت نائل آمد.

در همین زمینه، رئیس پلیس راه راهور در توضیح حادثه گفت: روز یکشـنبه ۸ تیرماه، گزارشـی مبنی بر سرقت یک دستگاه خودروی سمند به مرکز فوریت‌های پلیسی اعلام شد، در پی این گزارش، عملیات تعقیب و مراقبت از سوی نیروهای انتظامی آغاز گردید.

سـرهنگ احمد کرمی‌اسد افزود: در جریان پیگیری این سرقت، مشخص شد که سارق ابتدا خودروی دیگری را به سرقت می‌برد و پس از احسـاس تعقیب از سـوی پلیس، خـودرو را رها می‌کند و یک دستگاه سـمند سفیدرنگ را مجدداً سرقت می‌کند.

کرمی‌اسد ادامه داد: تلفن همراه مالک سمند در خودرو جا مانده بود. سـارق پس از پاسخ به تماس مالک، با وقاحت اعلام می‌کند: «ماشـینت را دزدیـده‌ام و می‌خواهـم با آن به مأموران پلیس حمله کنم.» او سـپس تماس را قطع می‌کند و چندی بعد، هنگام گشت‌زنی عوامل پلیس راه در محورهای مواصلاتـی، با شـدت و قصد قبلی، خودروی سرقتی را به‌سمت سرگرد مهرپور هدایت و با او برخورد می‌کند.

وی بیـان داشـت: بر اثـر این برخورد، افسر پلیس به‌شدت به زمین برخورد می‌کند و مصدوم می‌شود، در ادامه، سـارق متواری و کمی جلوتر توسط سایر عوامل انتظامی دستگیر و بازداشـت می‌شود و در اعترافاتش به صراحت اعلام کرده است که قصد کشـتن عوامل نیروهای انتظامی را داشته است.

رئیس پلیس راه راهور گفت: سرگرد مهرپور، توسط عوامل اورژانس به بیمارسـتان منتقل شد، در معاینه اولیه، وضعیت خاصی مشـاهده نشد و به همین دلیل وی مرخص شد و به منزل بازگشـت، اما پس از ۴۸ ساعت، علائم نگران‌کننده‌ای نظیر سرگیجه و دوبینی در او ظاهر شد. خانواده و همکارانش او را فـوراً به بیمارسـتان بازگرداندند، متأسـفانه حال وی به‌سـرعت رو به وخامت رفت و در حالت کما قرار گرفت و در نهایت پزشکان مرگ مغزی او را اعلام کردند، تلاش‌های تیم پزشکی نتیجه‌ای در پی نداشت و سرگرد مهرپور به مقام رفیع شهادت نائل آمد.

بنابر اعلام خانواده این شـهید، با رضایت کامل، تمامی اعضای بدن وی اهدا شد تا جان چند بیمار نیازمند نجات یابد.

گفتنی اسـت شهید سـرگرد توحید مهرپور دارستانی، ۳۸ساله بود.

هدیه به خوانندگان

آیت‌الله حق‌شناس(ره): معنی دوست داشتن پروردگار متعال و رسول اکرم(ص) متابعت از فرامین آنهاست.

اخبار ادبی و هنری

خشم روزنامه اسرائیلی از آثار هنرمندان ایرانی علیه رژیم صهیونیستی و آمریکا

آثار هنرمندان ایرانی در قالب‌هـای کارتون و کاریکاتور با موضوع جنگ تحمیلی ۱۲ روزه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه کشورمان، با واکنش منفی روزنامه اسرائیلی «جروزالم پست» مواجه شد.

بـه گزارش خبرنـگار کیهان، جروزالم پسـت در واکنش بـه برگزاری نمایشـگاه آثار هنری ضدآمریکایی و ضدصهیونیسـتی «پوزه‌بند»، باز هم از حربه کلیشه‌ای متهم ساختن معترضین به جنایات اسرائیل به «یهودستیزی» اسـتفاده کرد و نوشت: «در این نمایشگاه ۸۲ اثر به نمایش درآمده که بیشتر آن‌ها حاوی نمادها و تصاویر ضدیهودی هستند.»

این نشریه صهیونیستی همچنین گزارش داده است: «آثار این نمایشگاه بر اساس ایده‌ها و اصولی که توسط آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر ایران، تدوین شده، ساخته شده‌اند.»

در گزارش «جروزالم پست» درباره نمایشگاه «پوزه‌بند» آمده است: «آثار این نمایشـگاه، ایالات متحده و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آن را نیز نادیده نگرفتند. در میان تصاویر اختصاص داده شده به آنها، کتاب تاریخ جهانی ایالات متحده با قطرات خون از آن و یک سیلوئت از ترامپ با یک شیطان کوچک که به جای چنگک، ستاره داوود سرخ را در دست دارد، دیده می‌شود.»

گفتنی است، مسعود شجاعی طباطبایی هنرمند بین‌المللی عرصه کارتون و کاریکاتور و دبیر نمایشـگاه «پوزه‌بند» در گفت‌وگو با خبرنگار کیهان گفت: بعد از برپایی این نمایشـگاه نه تنها بسـیاری از هنرمندان داخلی خواستار شـرکت در آن شدند، بلکه هنرمندانی خارج از کشور هم به ما پیام دادند که ای کاش می‌توانستند با مشـارکت در این نمایشگاه دین خود را به وطنشان ادا کننـد. طوری که این همدلی هنرمندان داخل و خارج از کشـور برای ما غیرمنتظره بود.

وی افزود: اتفاق جالب این اسـت که حتی هنرمندانی از کشـور قطر در واکنش به این نمایشـگاه به ما پیام مثبت دادند و گفتند که از موشـک‌باران پایگاه العدید آمریکا در قطر خوشـحال هسـتند. به طـور کلی یک همدلی گسـترده با ایران نزد کاریکاتوریست‌ها در کشـورهای مختلف جهان شکل گرفته است.

یادآور می‌شود، نمایشگاه «پوزه‌بند» تا ۲۴ تیر در حوزه هنری برپاست.

یادداشت‌های روزانه شهید محمد باقری منتشر می‌شود

رئیس مؤسسه شهید باقری از انتشار ۳ جلد نخست مجموعه خاطرات و یادداشت‌های روزانه شهید محمد باقری که دو سال پیش از شهادت مشغول گردآوری آن بودند، خبر داد.

سردار فتح‌الله جعفری رئیس بنیاد شهید حسن باقری و از دوستان نزدیک شهید محمد باقری با اعلام این خبر به تسنیم گفت: دو سال قبل، پس از کلی بحث و بررسـی، شهید باقری رضایت داد تا زندگی‌نامه و خاطراتش از دوران دفاع مقدس ثبت و ضبط شـود، برای این منظور جلساتی را چهارشنبه‌ها در مؤسسه برگزار می‌کردیم و هر هفته به بحث و بررسی خاطرات وی از سال‌های جنگ می‌پرداختیم. وی ادامه داد: در این جلسات که از سال ۱۴۰۲ آغاز شده بود، شهید محمد باقری دفتر یادداشت‌های روزانه خود را می‌آورد و در مواردی نیز به بحث و بررسی تاریخی می‌پرداختیم، مسئولیت کار با مصطفی رحیمی بود و کار از ابتدای زندگی ایشـان تا عملیات خیبر پیش رفته بود، اما دو ماه بود به‌دلیل حجم فشرده برنامه‌های شهید نتوانسته بودیم کار را پیش ببریم.

جعفری درباره روند ادامه کار گفت: پس از شهادت شهید باقری ضرورت تدوین و انتشـار این خاطرات دوچندان شده اسـت، قرار ما با آقای رحیمی نویسـنده کتاب بر این شده است که ادامه کار را با اسناد و مدارک موجود و با استفاده از خاطرات دیگران از شهید باقری پیش ببریم. دفتر یادداشت‌های روزانه ایشـان نیز موجود است و می‌تواند بسیاری از اطلاعات را در اختیار ما قرار دهد، با توجه به اینکه بخشی از کار به اتمام رسیده است در تلاش هستیم ۳ جلد نخست مجموعه را به‌زودی منتشر کنیم.

وی با اشاره به روحیه شهید باقری اضافه کرد: من ارتباط نزدیکی با شهید باقری داشـتم، روحیه خاصی داشت و به‌دنبال مطرح کردن خود نبود، بسیار فرمانده توانمندی بود و بعد از برادرش مسـئول اطلاعات جنگ شـد، طراح بسیاری از عملیات‌های موفق دفاع مقدس بود، اطلاعات ایشان مبنای طراحی عملیات‌های مختلف قرار گرفته بود و نقشـی بسیار کلیدی و مؤثر در دوران دفاع مقدس داشـت، اما کمتر دیده شـده بود. انتشار خاطرات و زندگی‌نامه وی می‌تواند نشـان دهد که شهید محمد باقری که بود و چه کرد. جعفری از گسـترده شدن فعالیت‌های مؤسسه شهید حسن باقری خبر داد و افزود: این مؤسسه به مؤسسه شهیدان باقری تغییر خواهد کرد، شهید محمد باقری نفر اول نیروهای مسـلح بود که پس از جنگ نیـز آرام نگرفت، نقش مؤثری در ارتباط با جریان مقاومت در خارج از کشـور داشت و اطلاعات سپاه قدس را شکل داد، نقش مؤثری در جریان مبارزات بوسنی، داعش و... داشت، با انتشار زندگی‌نامه او مردم عادی متوجه خواهند شد که چه شخصیتی از دست رفت، فاصله خروج محمد باقری از سنگری که شهید حسن باقری در آن به شهادت رسید، دو دقیقه قبل از اصابت خمپاره بود، اما این دو دقیقه فرصت ۴۳ سال همراهی و نقش مؤثر در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را مهیا کرد.

یک کارگردان:

باید درباره آبشخور نفوذی‌ها فیلم و سریال ساخت

یک فیلمساز بر اهمیت تولید فیلم درباره نفوذی‌ها تأکید کرد.

محمدعلی آهنگر کارگردان فیلم‌هایی چون «ملکه» و «فرزند خاک» به ایسنا گفت: من این را رد نمی‌کنم که هیجان‌زده شویم و بخواهیم در همین مقطع کاری را انجام دهیم و ممکن است خیلی از همکاران ساخت فیلمی را شروع کرده باشند که در جای خود ارزشمند است اما به نظرم اثر قابل تأمل‌تر آن است که پس از فرونشستن گرد و غبار و انجام کارهای پژوهشی، بتواند به یک‌سری سؤال‌ها که برای افکار عمومی هم مهم هستند پاسخ دهد...

وی افزود: از جمله اینکه چطور این تعداد پهپادِ ساختِ دستِ آدم‌هایی در این کشور، در آسمان همه شهرهای ما پرواز کرد؟ چرا این‌قدر نیروی جاسوسی و نفوذی در کشور ما به یک‌باره نمایان شد؟ البته قبلاً هم نفوذی داشتیم ولی این بار حیرت‌آور بود، واقعا جای سؤال است در شرایطی که نیروهای امنیتی ما بسیار زحمت می‌کشند آبشخورِ این نفوذی‌ها کجا بوده و چطور چنین اتفاقی رخ داده و مهم‌تر اینکه آیا اصلاً این جریان تمام شده است؟ این فیلمساز تصریح ک